



دانشگاه علامه طباطبائی
دانشکده علوم اجتماعی

رساله دکتری

رشته جامعه شناسی سیاسی

عنوان رساله:

علل نهادینه نشدن احزاب سیاسی در ایران

(۱۳۵۷ - ۱۳۸۵ ه.ش)

دانشجو:

محمد علی کریمی

استاد راهنما:

دکتر حسن سرایی

استادان مشاور:

دکتر محمد حسین پناهی

دکتر احمد نقیب زاده

شهریور ۱۳۹۰

فهرست مطالب

• چکیده

فصل ۱: کلیات تحقیق

• طرح مسئله

• هدف اصلی تحقیق

• ضرورت و اهمیت تحقیق

• تعریف حزب سیاسی

• اجزاء برجسته و کلیدی حزب سیاسی

ایدئولوژی

برنامه

اساسنامه و رهبری

• کارکردهای احزاب سیاسی

کارکرد دموکراتیک

کارکرد نمایندگی

کارکرد یک کاسه کردن و آشتی دادن منافع

کارکرد جذب (افراد تازه)

کارکرد انتخاباتی

کارکرد مشارکت

کارکرد جمع آوری اعانه

کارکرد ایدئولوژیکی و سیاسی

کارکرد آموزشی و ارتباطاتی

کارکرد اداره مجلس

• دموکراتیک شدن، احزاب سیاسی و حقوق شهروندی

شهروندی

وظایف اصلی یک شهروند

حقوق شهروند

• اظهارنظرها و ارزیابی های اولیه در مورد احزاب سیاسی

• تاریخچه مطالعه احزاب سیاسی در جهان

• تاریخچه مختصر مطالعات در خصوص نهادمندی حزبی

• تاریخچه مطالعات احزاب سیاسی در ایران

فصل ۲: بنیانهای نظری تحقیق

• نظریه های جامعه شناختی احزاب سیاسی

- دیدگاه ماکس وبر در مورد احزاب سیاسی
- رابرت میشلز (۱۸۷۶-۱۹۳۶)
- رابرت میشلز: ماهیت (خصلت) جامعه شناختی احزاب سیاسی
- انواع احزاب سیاسی:
- ارزیابی طبقه بندی ویلفردو پاره تو از احزاب سیاسی
- توصیف نهادمندی حزبی
- اهمیت نهادمندی حزبی
- تعریف نهادمندی سازمان
- تعریف نهادمندی حزبی
- نظرات و آثار مربوط به نهادمندی حزبی و معیارهای آن
- تبیین های مربوط به نهادینه شدن احزاب سیاسی
- بنیان های اجتماعی احزاب سیاسی
- منشأهای حزبی
- ارزیابی نظریه موريس دو ورژه در مورد منشأهای احزاب
- ارزیابی نظریه لیپ ست و رکان در خصوص منشأهای احزاب سیاسی
- ارزیابی نظریه پنه بینکو در مورد منشأهای احزاب
- پیوند با منافع سازمان یافته
- ارتباط با شهروندان
- ارتباط (پیوند) شهروندی
- طبقه و حمایت حزبی (پشتیبانی قوی از یک حزب خاص)
- اجتماعی شدن سیاسی
- ارزیابی بنیان های اجتماعی
- ساختار و فرهنگ احزاب سیاسی
- رویکردها و تأثیرگذاران کلاسیک
- فرهنگ سازمانی
- روابط با محیط نهادی
- توجه مجدد به نهادها
- احزاب و دولت
- رسانه ها
- چارچوب نظری تحقیق
- مدل تحلیلیها نتینگتون از نهادمندی جزئی
- پیش بینی های نظری تحقیق

فصل ۳: روش تحقیق

- روش تحقیق تاریخی
 - تعریف تاریخ و روش تجزیه و تحلیل تاریخی.....
 - برخی ویژگی های مهم یک مطالعه تاریخی
 - تاریخچه دیدگاه تاریخی، انواع تجزیه و تحلیل تاریخی
 - اجزاء تشکیل دهنده (مؤلفه های) تحقیق تاریخی
 - نحوه جمع آوری داده ها.....
 - منابع داده های تاریخی.....
 - منابع اولیه و منابع ثانویه
- تحقیق تاریخی - مقایسه ای
- اجزاء تشکیل دهنده (مؤلفه های) تحقیق حاضر
- تعریف عنوان (مسئله)
- موارد (احزاب سیاسی) مورد مطالعه.....
- جمع آوری اطلاعات (داده ها)
- تجزیه و تحلیل داده ها
- روائی و پایائی:
- تعاریف عملی و متغیرها
- تعریف عملی (عملیاتی کردن) نهادمندی حزبی
- اندازه گیری نهادمندی حزبی
- تطبیق پذیری
- پیچیدگی
- استقلال (خود مختاری)
- انسجام

فصل ۴: بررسی وضعیت نهادمندی حزبی در ایران

- زمینه تاریخی احزاب سیاسی ایران
- سابقه حزب دموکراتیک
- بنیان گذاران حزب دموکراتیک
- مرامنامه فرقه سیاسی دموکرات ایران.....
- سابقه حزب اجتماعیون - اعتدالیون
- بنیان گذاران و اعضای شاخص حزب اجتماعیون - اعتدالیون
- مرامنامه یا دستور مسلکی فرقه اجتماعیون - اعتدالیون
- احزاب دوره اول تحزب در ایران و معیارهایی نهادمندی
- حزب دموکراتیک، حزب اجتماعیون - اعتدالیون و تطبیق پذیری
- حزب دموکراتیک، حزب اجتماعیون - اعتدالیون و پیچیدگی

- حزب دموکرات، حزب اجتماعیون اعتدالیون و استقلال
- مرور فرآیند انحلال احزاب دموکرات و اجتماعیون عامیون
- نتیجه گیری
- احزاب دوره دوم تحزب در ایران: حزب توده ایران؛ جبهه ملی ایران
- سابقه حزب توده ایران
- تاریخچه حزب توده را می توان به ۸ دوره تقسیم نمود:
- سازمان حزب توده
- پلنوم کمیته مرکزی
- سازمانهای جنبی حزب توده
- ماهیت رهبران حزب توده و رابطه حزب با کمینترن
- دبیران حزب توده ایران
- فراکسیون حزب توده در مجلس چهاردهم
- اعضاء کمیته مرکزی حزب توده
- دستگیری رهبران حزب توده بعد از انقلاب اسلامی
- جبهه ملی ایران
- اساسنامه جبهه ملی
- آئین نامه جبهه ملی
- احزاب دوره دوم تحزب در ایران و معیارهای نهادمندی
- حزب توده ایران، جبهه ملی و تطبیق پذیری
- حزب توده ایران، جبهه ملی و معیار پیچیدگی
- حزب توده ایران، جبهه ملی و معیار استقلال
- احزاب دوره سوم تحزب در ایران: حزب مردم؛ حزب ایران نوین
- سازمان حزب مردم
- حزب ایران نوین
- مرامنامه (اصول عقاید و هدف های حزب ایران نوین)
- اساسنامه حزب ایران نوین :
- تبیین نهادمندی حزبی در ایران (۱۳۵۷-۱۳۸۵ ه. ش)
- مشروطیت و تحزب در ایران
- مختصر وقایع انقلاب مشروطیت
- خودکامگی و تحزب در ایران :
- نتیجه گیری
- نفوذ بیگانگان و تأثیر آنها بر تحزب در ایران
- دموکراتیک شدن و تحزب در ایران
- روشنفکران و تحزب در ایران

- منشأ حزب اجتماعیون عامیون
- روحانیت و تحزب در ایران (۱۳۵۷-۱۲۸۵ ه. ش)
- انجمن مخفی
- منشاءهای احزاب سیاسی ایران (۱۳۵۷-۱۳۸۷)
- منشاء حزب دموکرات
- منشاء حزب اجتماعیون-اعتدالیون
- منشاء حزب توده ایران
- منشاء جبهه های ایران
- منشاءهای احزاب دولتی مردم و ایران نوین
- تبیین منشاء های احزاب ایران (۱۳۵۷-۱۲۸۷ ه ش)
- پیوند احزاب سیاسی ایران با گروه های ذینفع
- ساختار احزاب سیاسی در ایران (۱۳۵۷-۱۲۸۷)
- ساختار حزب توده
- ساختار جبهه ملی
- ساختار حزب دولتی مردم و حزب دولتی ایران نوین

فصل ۵

- خلاصه و نتیجه گیری
- خلاصه
- نتیجه گیری

چکیده

هدف اصلی رساله حاضر پرداختن به " علل نهادینه نشدن احزاب سیاسی در ایران (۱۲۸۵ تا ۱۳۵۷ ه.ش) " است. بدون شک، حزب سیاسی در معنای جدید آن برای نخستین بار در کشورهای غربی پدیدار گشت و با فراز و فرودهایی فرایند نهادینه شدن را سپری نمود و سپس به سایر کشورها راه یافت. در ایران اولین احزاب سیاسی در مجلس دوم شورای ملی رسمیت یافتند و شروع به فعالیت کردند. اما، احزاب ایران بر خلاف احزاب اروپایی علی رغم تلاش فراوان نتوانستند پایدار بمانند و نهادینه گردند بنابراین، در این تحقیق برای پی بردن به عوامل و شرایط موثر در نهادینه نشدن احزاب ایران، ابتدا، زمینه های تاریخی تاثیر گذار در پیدایش و نهادینگی احزاب سیاسی ایران مورد بررسی قرار گرفتند و با مقایسه این زمینه ها با زمینه های تاریخی ای که احزاب اروپا از بطن آنها ظهور کردند تفاوت های عمده و اصلی این دو موقعیت برجسته گشتند. در ادامه، توصیف نسبتا مفصلی از شش حزب برجسته و شاخص دوره مورد مطالعه به عمل آمد و سپس با استفاده از از نظریه ساموئل هانتینگتون سطح نهادمندی حزبی در دوره مذکور بررسی و نهایتا، به کمک رهیافت مشترک دو نظریه پرداز مشهور در این رشته، میلدرد شوارتز و کای لاوسن، علل نهادینه نشدن احزاب به تصویر کشیده شده اند.

با توجه به تاریخی بودن موضوع، روش تحقیق تاریخی و روش مقایسه تاریخی برای تحقق موارد فوق به کار گرفته شدند. داده های مورد استفاده از اسناد و مدارک موجود و از منابع دست اول و دوم حاصل شده اند. استفاده از منابع ثانویه، به لحاظ کمبود منابع اولیه، بیشتر بوده است. نتایج کلی حاصل از این تحقیق حاکی از این هستند که شرایط تاریخی و زمینه های اولیه بروز و ظهور احزاب سیاسی ایران، نظیر وجود دولت خود کامه، نفوذ بیگانگان در کشور، موانع و مشکلات ناشی از قانون مشروطه، ضعف دموکراتیزیشن (دموکراتیک شدن)، و همچنین منشا های احزاب سیاسی کشور، پیوندشان با منافع سازمان یافته، ارتباطشان با شهروندان، ساختار سازمانی شان، و رابطه آنها با محیط نهادی شان همگی در نهادینه نشدنشان سهم قابل ملاحظه ای داشته اند. لازم به ذکر است که چهار مورد اول بیش از موارد بعدی در عدم نهادینگی احزاب سهم ایفا کرده اند.

مقدمه

این رساله تلاش دارد تا واقعیت مربوط به نهادمندی یک سازمان خاص، یعنی حزب سیاسی را دریابد و به دقت در مورد شرایط و عواملی که نهادمندی حزبی را تحت تاثیر قرار می دهند، بحث و بررسی نماید.

به طور کلی، از نظر تاریخی، احزاب ساسی در جهان سوم، و از آن جمله در ایران، نسبت به احزاب در جهان غرب و حتی در جهان توسعه یافته سوسیالیستی، توجه محققانه و علمی بسیار کمتری را به خود معطوف داشته اند. بنابراین لازم است برای جبران این کم توجه ای، هرچه بیشتر در مورد احزاب سیاسی ایران به طور اعم و فرایند نهادمندی حزبی این احزاب بطور اخص پژوهش صورت گیرد. این تحقیق تلاشی است جدی در راستای همین هدف و به منظور پی بردن به شرایط و عواملی که در نهادینگی احزاب ایران از مشروطیت تا پیروزی انقلاب اسلامی تاثیر چشمگیر داشته اند.

علاوه بر این، پر واضح است که دموکراسی یا دست کم مبارزه برای دموکراسی مشخصا، از آغاز قرن بیستم همراه با جنبش مشروطیت در ایران آغاز شد و احزاب سیاسی کشور نیز همزمان با همین فرایند دموکراتیک شدن فعالیت خود را آغاز نمودند و در مجلس دوم شورای ملی برای نخستین بار رسمیت یافتند. اما، علی رغم تلاشهای فراوانی که احزاب از خود نشان دادند، نتوانستند نهادینه گردند و پایداری خود را حفظ نمایند. این احزاب بر خلاف احزاب کشورهای غربی و حتی احزاب برخی کشورهای جهان سوم نظیر هندوستان که بازیگران سیاسی اصلی و مهمی در صحنه سیاست کشورهاشان بوده اند، زندگی گه گاهی داشته اند و نقش حاشیه ای در زمینه سیاست ایفا نموده اند. از آنجا که بسیاری از متفکرین و اندیشمندان سیاسی وجود احزاب را برای دموکراسی لازم و ضروری میدانند و معتقداند که احزاب ساختارهای میانجی یا واسط بین جامعه و حکومت اند و کارکردهای خاصی نظیر یک کاسه کردن منافع و سازمان دادن رقابت سیاسی را انجام می دهند، پس، لازم است با انجام مطالعات دقیق علمی موانع و مشکلات بر سر راه تداوم آنها شناسایی و با بطرف کردن آنها راه را برای انجام فعالیت های هر چه بیشترشان هموار کرد.

نگارنده معتقد است که این تحقیق در این مسیر راهگشا خواهد بود و امید دارد که مطالعات بعدی بیشتری که از سوی محققین و اندیشمندان صورت خواهند گرفت در هموار نمودن مسیر توسعه تحزب در ایران کمک نمایند.

فصل ۱

کلیات تحقیق

مقدمه

موضوع این رساله "علل نهادینه نشدن احزاب سیاسی ایران (۱۳۵۷-۱۲۸۵ ه. ش)" است. نهادمندی حزبی یک جنبه مهم و شاید مهم ترین جنبه حزب سیاسی باشد. اغلب اندیشمندانی که احزاب سیاسی را مورد مطالعه قرار داده اند بر این جنبه تأکید ورزیده اند و آن را در توسعه و تحکیم دموکراتیک با اهمیت قلمداد کرده اند.

در این فصل، برای باز کردن باب ورود به موضوع، چند مبحث مقدماتی را مطرح می کنیم. طرح و توضیح این مباحث زمینه ای فراهم خواهد آورد که بر اساس آن در فصل بعد با سهولت بیشتری نظریه های نهادمندی حزبی را تشریح نمائیم. فصل را با طرح مسئله، اهمیت و ضرورت تحقیق و اهداف تحقیق شروع می کنیم. سپس، تعریف حزب سیاسی، ذکر مؤلفه های برجسته و کلیدی حزب و همچنین کارکردهای آن خواهند آمد. در نهایت، بر اظهار نظرهای اندیشمندان و سیاستمداران در خصوص حزب سیاسی تمرکز می شود و تاریخچه مطالعه احزاب سیاسی بطور عام و نهادمندی حزبی بطور خاص مرور میگردند. پیداست که حزب ابعاد گوناگونی دارد، ولی چون موضوع اصلی ما تنها نهادمندی حزبی یعنی یک بعد از این ابعاد است، سعی شده تا مباحث مربوط به توصیف نهادمندی حزبی در این فصل آورده شوند و از توضیحات اضافی خودداری به عمل آید.

طرح مسئله

حزب سیاسی در معنی جدید آن یکی از پدیده های اجتماعی شگفت انگیز دو سه دهه اخیر است که از جوامع غربی سر برآورده و با وجود سپری کردن فراز و نشیب های زیاد پایداری و دوام پیدا نموده و بتدریج در دیگر کشورها انتشار یافته است. اندیشمندان سیاسی، عمدتاً کشورهای بریتانیا و ایالات متحده آمریکا را مهد پیدایش اولیه احزاب سیاسی قلمداد می کنند. احزاب اولیه در این دو کشور پس از پشت سر گذاشتن تحولات بسیار در قالب احزاب عمده و اصلی امروز آن کشورها ظاهر شدند. اولین احزاب سیاسی در تاریخ بریتانیا (توری ها^۱ و ویگ ها^۲) زمانی شکل گرفتند که پارلمان تلاش کرد خود را از کنترل سلطنت رهایی دهد و دارای استقلال گردد. گرچه از آن روزگار تا کنون فراز و فرودهای بسیاری وجود داشته است، ولی، حزب محافظه کار می تواند مدعی یک وجود و هستی مستمر از آن دوران باشد. اجداد محافظه کاران، توری ها و اجداد حزب لیبرال امروزی ویگ ها بوده اند. همانگونه که توری ها تحول پیدا کردند و به حزب محافظه کار بدل گشتند، ویگ ها نیز دگرگونی پذیرفتند و به حزب لیبرال مبدل شدند (Holmes, 2008:275).

در ایالات متحده آمریکا نیز وضع به همین منوال بود. مک سوینی و جان زوسپر در این خصوص می نویسند: "می توان پیوستگی ها و تداوم های معینی بین تم های منافع، پرسنل و ایدئولوژی احزاب عمده اولیه - فدرالیست ها و جمهوری خواهان جفرسونی و احزاب بعدی پیدا کرد. فدرالیست ها که در اثنای دهه دوم قرن نوزدهم از صحنه ناپدید شدند، به هر طریق، بوسیله ویگ ها (از دهه ۱۸۳۰ تا دهه ۱۸۵۰) و سپس

^۱ - Tories

^۲ - Whigs

بوسیله جمهوریخواهان امروزی (که منشأ تاریخ خود را دهه ۱۸۵۰ می دانند) جایگزین شدند. (لازم به ذکر است که حزب جمهوریخواه دهه ۱۸۵۰ سیاست ضد برده داری جفرسون را دنبال کرد نه خط مشی فدرالیست ها یا ویگ ها در این خصوص را) از جمهوریخواهان جفرسونی می توان یک خط استمرار و پیوستگی به حزب دموکراتیک جکسونی دهه ۱۸۳۰ و از آنجا به دموکرات های طرح تازه^۱ و در نهایت به حزب دموکرات امروزی پیدا کرد. توماس جفرسون و اندرو جکسون (دو رئیس جمهور آمریکا در اوایل قرن نوزدهم) هنوز قدیسان پشتیبان حزب دموکرات هستند (McSweeney and John Zvesper, 1991:14-15).

آلن وار^۲ به این مطلب به گونه ای دیگر و در سطح وسیع تری که شامل سایر کشورهای اروپایی می شود می پردازد. او می گوید:

بنابراین، حتی در دموکراسی لیبرال مفهوم یک حزب یک مفهوم وسیع است. اصطلاح حزب در گذشته و حال برای اشاره به آن گروه های نخبه ای که در مجالس مقننه قبل از اعطای حق رأی به رأی دهندگان توده ای ظهور کردند بکار می رود. در پارلمان بریتانیا در زمان های مختلف از اواخر قرن هفدهم تا اواسط قرن نوزدهم گروه های نخبه مشخص ظهور و افول می کردند. در اواسط قرن نوزدهم احزاب پارلمانی با بنیان انتخاباتی توده ای تبدیل گشتند. همینطور، در ایالات متحده آمریکا، احزاب مشخص متمرکز در کنگره در دهه ۱۷۹۰ رشد و توسعه یافتند، گرچه در اینجا نیز همانند بریتانیا دوره ای بود که در آن این گروه ها منحل و ناپدید شدند، ولی چندی بعد دوباره ظهور کردند و به احزاب شناخته شده زمان اعطای حق رأی در دهه ۱۸۲۰ تبدیل گشتند. به استثنای بلژیک، جایی که احزاب پارلمانی حول یک شکاف روحانیت بر ضد روحانیت که بلافاصله بعد از استقلال در دهه ۱۸۳۰ بوجود آمد رشد یافتند، در سایر جاها فقط بخاطر اینکه پارلمان ها کمی دیرتر استقلال پیدا کردند، احزاب پارلمانی با سرعت کمتری بر یک اساس دائمی بسط پیدا کردند. در فرانسه، حتی احزابی که از نخبگان پارلمانی تشکیل یافته بودند تا قرن بیستم به یک نیروی سیاسی عمده تبدیل نشدند. یکی از محدود دولت هایی که در آن احزاب نخبه و پارلمانی همزمان یا قبل از بریتانیا و ایالات متحده وجود داشت سوئد بود. در اثنای عصری که به عصر آزادی معروف است، سوئد دارای یک نظام پارلمانی بسیار پیشرفته با دو حزب به نام های هاتز و کاپز بود. این دو حزب اساساً در پارلمان سازمان یافته بودند. این نظام پارلمانی قدیمی بوسیله یک کودتا در سال ۱۷۷۲ توسط پادشاه ملغی شد (Ware, 1987:21-22).

بنابراین، احزاب سیاسی در خاستگاه اصلی و اولیه شان پس از پشت سر گذاشت فراز و فرودهای بسیار، بتدریج ریشه دوانیدند و تنومند گشتند. این احزاب فرایند نهادینه شدن، یعنی فرایندی که طی آن هر سازمان منجمله هر حزبی به ارزش و ثبات می رسد، را بخوبی از سر گذراندند.

با گذشت زمان، این نهاد شگفت انگیز مدرن از مرزهای بریتانیا و ایالات متحده و دیگر کشورهای اروپائی گذشت و سایر کشورها در سراسر جهان را در بر گرفت. بطوری که، امروزه اکثر کشورهای دنیا برخوردار از حزب و نظام حزبی می باشند. کشور ما ایران نیز از این جریان بی نصیب نماند، و قبل از بسیاری از کشورها در منطقه تحزب و نظام حزبی را تجربه نمود. اما، آنچه که مایه شگفتی است، این است که این نهاد در ایران نتوانست فرایند نهادینه شدن را آنگونه که باید و شاید طی کند. فلذا، اکثر قریب به اتفاق

¹ - new deal democrats

² - Alan Ware

احزاب ایران زمان کوتاهی پس از ظهور به افول گرائیدند و نتوانستند در نظام سیاسی کشورمان نقش شایسته ای ایفا نمایند. بنابراین، می توان پرسید که چرا احزاب سیاسی ایران طی دوره مورد مطالعه نهادینه نشدند؟ چرا احزاب اولیه ایران همانند احزاب اولیه بریتانیا و آمریکا تکامل طبیعی خود را طی نکردند و نتوانستند ریشه دار و تنومند گردند و خاستگاه احزاب بعدی شوند؟ چرا این احزاب بر خلاف احزاب کشورهای غربی قارچ وار ظهور و افول نمودند؟ بالاخره، چرا در ادامه، حتی احزاب دولتی نیز علیرغم حمایت های خاص حکومت های وقت پایداری و دوام خود را حفظ نمودند؟ اینها سؤالات عمده ای هستند که در این تحقیق به آنها خواهیم پرداخت.

همانگونه که قبلاً گفته شد، هدف اصلی این پژوهش پرداختن به این سؤال اصلی است که "چرا احزاب سیاسی ایران بین سال های ۱۲۸۵ تا ۱۳۵۷ ه. ش" فرایند نهادینه شدن را بخوبی پشت سر نگذاشته اند و همگی کم و بیش اندک زمانی پس از پیدایش رو به افول و اضمحلال نهادند؟ این تحقیق در دو سطح به سؤال مذکور پاسخ خواهد داد: سطح توصیف و سطح تبیین. در سطح توصیف ضمن کاوش در مورد حزب سیاسی و جستجوی ویژگی ها و کارکردهای برجسته آن، به مهم ترین جنبه حزب سیاسی یعنی نهادمندی حزب می پردازد. با مرور ادبیات مربوط به نهادمندی حزبی، ابعاد و شاخص هایی که اندیشمندان و محققین برای آن برشمرده اند بطور واضح ارائه می گردند و مهم ترین مدل های موجود مربوط به آن نیز ترسیم می شوند. اما، اصلیتین هدف این رساله پی بردن به علل و عوامل مؤثر بر نهادینگی احزاب سیاسی به طور عام و احزاب سیاسی ایران طی دوره مورد مطالعه بطور خاص می باشد. بنابراین، برای تبیین علل نهادینه نشدن احزاب سیاسی ایران (۱۳۵۷-۱۲۸۵ ه. ش)، ابتدا نظریه های مربوطه مورد بررسی قرار خواهند گرفت، و سپس از میان آنها مناسب ترینشان به عنوان چارچوب نظری تحقیق انتخاب می گردد تا در پرتو آن تحقیق به پیش رود. در پرتو این چارچوب نظری و با کمک روش تحقیق تاریخی به عنوان روش سازگار با این موضوع و با استفاده از داده هایی که جمع آوری خواهند شد عوامل، شرایط و موقعیت هایی که در نهادینه نشدن احزاب مورد نظر مؤثر بوده اند به وضوح به تصویر کشیده خواهند شد.

ضرورت و اهمیت تحقیق

موئیزی (موزئی) استروگورسکی^۱ با انتشار کتاب "دموکراسی و سازمان احزاب سیاسی" در سال ۱۹۰۳ اولین اثر ارزنده در خصوص مطالعه احزاب سیاسی را عرضه داشت. بعد از او رابرت میخلز کتاب "احزاب سیاسی" را در سال ۱۹۱۱ به رشته تحریر درآورد. این دو کتاب از جمله آثار مهم کلاسیک در زمینه مطالعات احزاب سیاسی محسوب می شوند. در کنار این دو اندیشمند، می توان از ماکس وبر نام برد که اگرچه بطور ضمنی ولی به گونه ای تأثیرگذار در کتاب "دانشمند و سیاستمدار" بحث پیرامون احزاب را صورت داد و در مقالهای تحت عنوان "توزیع قدرت درون اجتماعی سیاسی: طبقه، منطقت، حزب" که در سال ۱۹۲۵ به چاپ رسید بر موضوع احزاب سیاسی تأکید نمود در پی این آثار کلاسیک حجم وسیعی از نوشته های اندیشمندان جدیدتر را می توان یافت که از دیدگاه های مختلف و در رشته های گوناگون به

^۱ - Mosei Ostrogorski

توصیف و تبیین احزاب سیاسی در جهان پرداخته اند. از جمله معروف ترین آنها آثار موريس دوورژه اندیشمند سیاسی فرانسه و اثر برجسته لیپ ست ورکان که با رهیافتی جامعه شناختی احزاب سیاسی مخصوصاً احزاب سیاسی اروپای غربی را مورد مطالعه دقیق و علمی قرار داده اند می باشند. اما، در کشور ما ایران، متأسفانه، تاکنون آن گونه که باید و شاید مطالعات دقیق و جامعی در مورد احزاب ایران مخصوصاً در تبیین ابعاد مختلف آنها صورت نگرفته است. کتب موجود در مورد احزاب سیاسی، یا اصلاً احزاب سیاسی ایران را مد نظر قرار نداده اند، و یا اگر به آنها پرداخته اند سطحی، و در حد توصیف میباشند. پایان نامه ها و مقالات مرتبط با موضوع احزاب در ایران نیز وضعی مشابه دارند. آنها یا صرفاً به توصیف پرداخته اند و یا در صورت تحلیل و تبیین نتوانسته اند که در قالب روش علمی تحلیل و تبیینی شایسته عرضه دارند. از این رو ضرورت دارد تا برای روشن شدن هر چه بیشتر ابعاد احزاب سیاسی کشورمان تحقیقات دامنه دارتری صورت گیرد.

همچنین، از آنجا که احزاب در ایران از بدو پیدایش و بطور خاص تا پیروزی انقلاب اسلامی، همواره فراز و فرودهایی را بخود دیده اند، و اغلب پس از ظهور در مدت کوتاهی رو به افول گذاشته اند و لذا در نهایت از فعالیت و تأثیرگذاری بر جریانات سیاسی بازماندند، می طلبد که برای فهم دقیق زمینه ها، شرایط و عوامل جامعه شناختی این فراز و نشیب ها و ناپایداری ها، تحقیقات علمی وسیع تری نسبت به گذشته صورت گیرد.

علاوه بر اینها، پرواضح است که اگر برای احزاب سیاسی در تحقق حکومت دموکراتیک نقش اساسی قائل باشیم و آنها را برای حکومت کردن و انتقال مسالمت آمیز قدرت مفید بدانیم، می بایست مطالعات و تحقیقات بیش از پیش عمیق تر و ژرف تری را در خصوص علل نهادینه نشدنشان در ایران صورت دهیم، تا از این طریق با شناسایی شرایط و عوامل دخیل در ناپایداری احزاب و رفع آنها در حد ممکن راه را برای تحزب و فعالیت های حزبی مؤثر در ایران بگشائیم. مطالعه حاضر در راستای اهداف مذکور صورت می گیرد و امید بر آن است که این تحقیق گام مؤثری در جهت شناخت و آشنایی هرچه بیشتر با پدیده حزب و نظام حزبی در ایران باشد.

تعریف حزب سیاسی

در علوم اجتماعی بر روی مفهوم حزب سیاسی اجماع و اتفاق نظر وجود ندارد. با این وجود، با خلاصه کردن تعاریف کلاسیک چندان اشتباه نخواهد بود اگر بگوئیم که یک حزب سیاسی یک سازمانی است که در انتخابات شرکت می کند و کاندیداهایی را برای گماشتن در مناصب عمومی و حکومتی معرفی می نماید. از نظر ریشه شناسی کلمه حزب دارای دو ریشه می باشد: "قسمت کردن"^۱ و "تقسیم نمودن"^۲. این دو ریشه به طور ضمنی بیانگر این هستند که یک حزب یک طرف یک مناقشه یا مجادله است. اما، در عمل، کلمه حزب برای اشاره به احزابی نظیر حزب نازی آلمان یا حزب کمونیست شوروی، جایی که حزب و دولت مترادف هم بودند و هیچ حزب مخالفی اجازه فعالیت نداشت نیز بکار برده می شود. علاوه بر این، تقریباً همه احزاب

¹ - part

² -devide

مدعی اند که در صورت موفقیت به نفع عامه مردم اعمال قدرت خواهند نمود، و برخی دولت‌های دارای نظام‌های تک‌حزبی ممکن است به جای نپذیرفتن دموکراسی درصدد برپائی آن باشند. اما، برخی هنوز هم اصرار دارند که روی هم رفته دولت‌های تک‌حزبی در واقع دارای حزب نیستند. به قول نیومن^۱، یک حزب یک سازمانی از عاملین سیاسی فعال است که برای جلب حمایت عمومی و همگانی با گروه دیگر یا اشخاص دیگری که دارای نظرات متفاوت هستند رقابت می‌نماید. همچنین، شلسینگر^۲ مدعی است که یک حزب یک سازمان سیاسی است که در رقابت بر سر کسب مناصب انتخابی در انتخابات شرکت می‌کند (Janoski et al, 2005:267)

دوورژه مدعی است که نقش همه این نهادها رسیدن به قدرت سیاسی و اعمال آن است. جیووانی سارتوری حزب سیاسی را به عنوان هر گروه سیاسی‌ای که در انتخابات حضور می‌یابد و قادر است تا از طریق انتخابات کاندیداهایی را برای مناصب عمومی منصوب نماید تعریف می‌کند (Soos, 2005:26).

مؤلفه‌های اصلی حزب سیاسی

ایدئولوژی

یک حزب سیاسی، معمولاً، دارای یک نگرش کلی به زندگی و جهان یا به عبارت دیگر دارای یک ایدئولوژی است. اصطلاح ایدئولوژی به شیوه‌های گوناگون مورد استفاده قرار می‌گیرد، اما، عموماً به عنوان یک مجموعه ایده‌ها و ارزش‌های مشترک یک گروه اجتماعی تعریف می‌شود. ایدئولوژی یک بینش (دید) خاص یا یک شیوه‌نگریستن و تفسیر جهان است که فقط یک چشم‌انداز جزئی (محدود)، ناقص یا غلط از واقعیت عرضه می‌دارد. ایدئولوژی منافع گروه‌های اجتماعی یا سیاسی خاص را علنی ابراز می‌دارد یا مشروعیت می‌بخشد (Blundell et al, 2009:4).

هارالامبوس و هل‌بُرن در همین رابطه اظهار می‌دارند: "ایدئولوژی اشاره به یک مجموعه ایده‌ها دارد که فقط یک دید جزئی (ناقص) از واقعیت عرضه می‌دارند. یک دیدگاه ایدئولوژیکی شامل ارزش‌ها نیز می‌شود. ایدئولوژی درباره‌ی طریقه‌ای که اشیاء و پدیده‌ها هستند و همچنین طریقه‌ای که باید باشند قضاوت می‌کند. بنابراین، ایدئولوژی یک مجموعه عقاید و ارزش‌هایی است که یک شیوه‌نگرش و تفسیر جهان را در اختیار قرار می‌دهد که منجر به یک دید جزئی و محدود از واقعیت می‌گردد. اصطلاح ایدئولوژی اغلب استفاده می‌شود تا یک تحریف یا یک تصویر غلطی از واقعیت را به نظر آورد. اما تردید بسیار زیادی درباره‌ی اینکه آیا واقعیت و ایدئولوژی می‌توانند از هم جدا شوند وجود دارد. همانگونه که هاریس^۳ اشاره دارد، واقعیت‌ها ایدئولوژی انسان آینده است و برعکس" (Haralambos and Holborn, 2000:19).

یک ایدئولوژی یک چارچوب جامع عقاید درباره‌ی ماهیت (طبیعت) جامعه است که پایه‌ای برای نگرش‌ها و فعالیت‌های سیاسی فراهم می‌آورد. در حالیکه نظریه‌ها ممکن است نسبتاً غیر قطعی و آزمایشی باشند و در معرض تحقیق و مذاقه به نسبت هوشیارانه قرار گیرند، ایدئولوژی‌ها معمولاً چشم‌اندازها و دریافت‌های ریشه‌دار گسترده و دامنه‌دار می‌باشند که ارزش‌ها و نگرش‌های خاص‌تر بر مبنای آنها استوار می‌گردند.

¹ - Neumann

² - Schlesinger

³ - Nigel Harris

بنابراین، هر کسی ممکن است دارای یک ایدئولوژی خاص باشد که او را در کسب یک سری نظریه ها در خصوص دولت یا هر جنبه دیگری از جامعه هدایت نماید (Marsh, 2000:227).

بنابراین، ایدئولوژی های سیاسی ایدئولوژی هایی هستند که احزاب سیاسی دارند، نظیر احزاب محافظه کار، کارگر یا دموکرات. پس، ایدئولوژی سیاسی یک مجموعه ایده ها و اهدافی است که یک تفسیر و تجزیه و تحلیل از جهان را عرضه می دارد. ایدئولوژی سیاسی می گوید جهان چگونه کار می کند و چگونه باید تغییر کند. اما، باید توجه داشت که وقتی گفته می شود یک حزب سیاسی گروهی از افراد دارای یک ایدئولوژی مشترک است دو نکته باید لحاظ شود: یکی اینکه احزاب تمایل دارند تقسیم شوند، بطوریکه ما اغلب از جناح راست یا چپ یک حزب سیاسی واحد صحبت به میان می آوریم و این گویای این است که یک حزب دارای یک ایدئولوژی مشترک نیست، دیگر اینکه احزاب سیاسی مدرن نظیر احزاب بریتانیا و دیگر کشورهای دموکراتیک اواخر قرن بیستم میل به دور شدن از گروه ها و اجتماعات ایدئولوژیک داشتند و رو به سوی احزابی گذاشتند که اتو کرش هایمر^۱ آنها را احزاب فراگیر^۲ نامید. این احزاب تمایلات ایدئولوژیک شان را رفته رفته کنار گذاشته و دیگر همانند گذشته بر یک طبقه خاص تأکید ندارند.

البته، باید خاطرنشان ساخت که دانیل بل^۳ دانشمند سیاسی آمریکائی پایان ایدئولوژی در جوامع غربی را اعلام کرد و حتی قبل از فرو ریختن دیوار برلین دیگر اندیشمند آمریکائی به نام فرانسیس فوکویاما^۴ مستدل بیان داشت که سبک دموکراسی های لیبرال غربی و اقتصادی مبتنی بر شرکت ها و کمپانی های بسیار عظیم کمونیسیم و فاشیسم را سرنگون کرده تا به فرم (شکل) نهایی حکومت تبدیل گردد. با این وجود، جامعه شناسان آمریکائی نیز نشان داده اند که فرهنگ های سیاسی (هنجارها و ارزش های مشروعیت بخش نظام سیاسی) می تواند بطور قابل چشمگیری بین دولت ها تغییر کند. یکی از معروف ترین مطالعات تطبیقی فرهنگ های سیاسی مطالعه آلموند و وربا تحت عنوان "فرهنگ مربوط به شهروندان"^۵ است که یک تجزیه و تحلیل مقایسه ای از فرهنگ های سیاسی در پنج کشور در اختیار می گذارد.

برنامه

یک حزب سیاسی دارای یک برنامه، یک رشته تعهدات و قول های سیاسی است که آن را از دیگر احزاب متمایز می سازد. اکثر احزاب سیاسی عمده و اصلی چنین اند. اما، وقتی این را در تعریف مان می گنجانیم دو مسئله پیش می آید. اولاً، احزاب کوچک و اقلیت در واقع و عملاً احزاب تک موضوعی یا تک مسئله ای هستند، و یا حداقل تمایل دارند بر یک موضوع به هزینه دیگر موضوعات تمرکز نمایند. برای مثال، حزب فراندوم که در انتخابات سال ۱۹۹۷ بریتانیا بیش از هفتصد و پنجاه هزار رأی داشت، عمدتاً مبارزه انتخاباتی خود را اختصاص به موضوع (مسئله) انجام یک فراندوم در مورد پول واحد اروپا داد. در سال ۲۰۰۳ حزبی به نام ریسپکت^۶ موضوع مورد توجه اصلی اش مخالفت با سیاست حزب کارگر در عراق بود. بطور آشکار، یک

¹ - Otto Kirschheimer

² - catch- all

³ - Daniel Bell

⁴ - Francis Fukuyama

⁵ - civil Culture

⁶ - respect

چنین حزبی به احتمال زیاد صرفاً دارای یک زندگی کوتاه و گذرا می باشد. احزاب ناسیونالیست در اسکاتلند و ولز دارای یک رشته دغدغه ها و موضوعات سیاسی اند، اما، تمایل دارند در رأس همه بر ناسیونالیسم شان تأکید ورزند. ثانیاً، یک تمایلی نسبت به "سیاست اجتماع" (مخصوصاً احزاب بزرگ و اکثریت) وجود دارد تا با یکدیگر بر سر یک تعداد موضوعات سیاسی توافق نمایند (Holmes, 2008:220).

اساسنامه و رهبری

بطور کلی، یک حزب سیاسی دارای یک اساسنامه یا نظامی از قواعد است که ساختار آن را تعریف می نماید، علاوه بر این، یک حزب سیاسی دارای رهبری با یک نقش روشن و واضح می باشد. این مطمئناً با اکثر احزاب سیاسی جور در می آید، ولی می توان حزبی را تصور کرد که این وضع را نمی خواهد بپذیرد. برای مثال، برخی احزاب دارای یک ساختار خیلی گسترده و گل و گشاد می باشند و از داشتن رهبر نیز اجتناب می ورزند. همچنین، در مواقعی شاهد احزابی هستیم که دو رهبر دارند.

کارکردهای احزاب سیاسی

احزاب سیاسی، در دموکراسی لیبرال یک نقش حیاتی بازی می کنند. در این نظام سیاسی، مردم از طریق احزاب سیاسی و به واسطه شرکت کردن در انتخابات در حکومت و پارلمان حضور می یابند. گذشته از این احزاب سیاسی کارکردهای برجسته و چشمگیر دیگری نیز دارند که به قرار زیرند:

کارکرد دموکراتیک

دموکراسی یک سیستم سیاسی است که در آن قدرت حاکم یا بطور مستقیم در دست مردم قرار می گیرد و یا از طریق نمایندگان برگزیده شان اعمال می گردد. معنی تحت اللفظی دموکراسی حکومت کردن توسط مردم است. در یک نمونه آرمانی دموکراسی، مردم فعالانه و مستقیماً بر خودشان حکومت می نمایند. دموکراسی مشارکتی مستقیم نیازمند این است که مردم یا شهروندان بطور منظم با یکدیگر دیدار کنند تا موضوعات روز را به بحث بگذارند و در موردشان تصمیم بگیرند (Kendal, 2007:454).

دموکراسی می تواند در دو نوع اصلی مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد: مستقیم و نمایندگی. در هر دو نوع، چیزی که اغلب خیلی مهم است مشارکت مردم است و این ما را به دموکراسی مشارکتی رهنمون می شود. دموکراسی مستقیم شکل ایده آل دموکراسی است و در آن مردم حقیقتاً بر خودشان حکومت می کنند و در مورد مسائل سیاسی روزانه تصمیم می گیرند. اما، با این وجود، در یک دولت مدرن بزرگ تنها راه عملی که از طریق آن دموکراسی می تواند کارگر افتد این است که مردم نمایندگانی را انتخاب کنند که بر آنها حکومت نمایند. این نوع دموکراسی را دموکراسی نمایندگی یا غیر مستقیم می گویند.

از یک دیدگاه کثرت گرا، رقابت بین دو یا چند حزب سیاسی یک ویژگی اساسی حکومت نمایندگی است. احزاب سیاسی سازمان هایی هستند که تلاش دارند تا جایگاه هایی را در پارلمان ها یا معادل آنها در سطح محلی بدست آورند. کثرت گراها مدعی اند که رقابت بر سر مناصب یا قدرت بین احزاب سیاسی به رأی دهندگان هم این فرصت را می دهد تا رهبرانشان را انتخاب کنند و هم راه ها و وسایلی در اختیارشان

می گذارد تا بر خط مشی حکومت تأثیر بگذارند. این نظر پایه و اساس تعریف سیمور مارتین لپ ست¹ از دموکراسی را شکل می دهد. طبق نظر لپ ست: "دموکراسی در یک جامعه کامل می تواند به عنوان یک سیستم سیاسی ای که فرصت های منظم و قانونی (مبتنی بر قانون اساسی) برای تغییر مقامات حاکم در دسترس می گذارد، و یک مکانیسم اجتماعی ای که به بزرگ ترین بخش ممکن جمعیت اجازه می دهد تا از طریق انتخاب در میان رقبا و مدعیان منصب یا مناصب سیاسی بر تصمیمات اصلی تأثیر بگذارند"

(Haralambos and Holborn, 2000:594).

بنابراین، کارکرد دموکراتیک یکی از کارکردهای مهم احزاب سیاسی است. بطور خاص، احزاب در نظام سیاسی لیبرال دموکراتیک مدرن یک نقش اساسی بازی می کنند. احزاب سیاسی تقریباً در همه کشورهای جهان وجود دارند و حدود یک قرن است که فعالیت می نمایند. البته، کشورهایی که در آنها احزاب وجود نداشته اند یا وجود ندارند کشورهایی هستند که توسط یک نظام قبیله ای کهن یا یک سیستم فئودالی اداره می شده یا می شوند. در کشورهایی که می توان آنها را کشورهای مدرن شده نامید بطور کلی احزاب سیاسی وجود دارند. اما، احزاب نه تنها در دموکراسی های لیبرال بلکه در کشورهایی که دیکتاتورهای راست گرا یا چپ گرا بر آنها حکمفرمائی می کرده یا می کنند نیز وجود داشته یا دارد. حزب کمونیست در روسیه و حزب نازی در آلمان طبق استانداردهای خودشان جزء موفق ترین احزاب در دوران اخیر بوده اند، و حزب کمونیست چین هنوز در قدرت است. البته، تفاوت مهم و چشمگیر بین یک دموکراسی و یک دیکتاتوری این است که تحت یک دیکتاتوری فقط یک حزب وجود دارد، در حالیکه در یک دموکراسی کارکرد یک حزب عمل کردن در درون آن چیزی است که نظام حزبی متکثر نامیده می شود. برآستی، یک ویژگی مشخص دموکراسی های لیبرال این است که آنها دارای بیش از یک حزب هستند. یک نظام توتالیتر زیر لوای یک دیکتاتور بطور کلی یک نظام تک حزبی است، حال آنکه در یک دموکراسی لیبرال با یک سیستم حزبی متکثر، دو یا چند حزب با هم بر سر قدرت رقابت می کنند.

کارکرد نمایندگی

در دموکراسیهای لیبرال احزاب مکانیسم هایی هستند که بوسیله آنها شهروندان با استفاده از حق دموکراتیک شان نمایندگی می شوند. در بعضی کشورها مثلاً در بریتانیا نمایندگی در چند سطح رخ می دهد: در سطح فراملی در پارلمان اروپا، در پارلمان بریتانیا در وست مینستر، در مجالس ملی مانند پارلمان اسکاتلند و مجلس ولز، در سطح منطقه ای در لندن، و نهایتاً، در سطح محلی در استان، شهر، شهرستان، بخش یا انجمن ها (شوراهای) محلی. تقریباً همیشه، نمایندگانی که در این سطوح دیده می شوند اعضاء احزاب سیاسی خاص هستند. گاه گاهی، کاندیداهای مستقل نیز انتخاب می شوند (Holmes, 2008:221).

¹ - Seymour Martin Lip set

کارکرد یک کاسه کردن و آشتی دادن منافع

هرگاه گروه های ذینفع عالی ترین و تنها شکل سازمان های سیاسی موجود در جوامع باشند، در آن صورت حکومت ها دستخوش نابسامانی و بی ثباتی زیادی خواهند شد. هر گروه ذینفع سعی دارد حکومت را در جهت منافع و اهداف خود سوق داده و مقامات حکومتی را تحت نفوذ خود در آورد. در چنین حالتی ارزش ها، اهداف، یا ایدئولوژی های جامع و فراگیر چندانی وجود ندارد که بتواند از حمایت عمومی و ملی برخوردار باشند. هر گروه تنها به فکر منافع خود خواهد بود. در حالی که احزاب سیاسی از طریق گردآوری یا تجمع منافع مستقل گروه های ذینفع در چارچوب سازمانی وسیع تر به کاهش یا تخفیف تضادهای گروههای ذینفع کمک می کنند، گروه های ذینفع نیز متوجه می شوند که باید در خواسته های خود تعدیل به عمل آورند و به هماهنگی و همگامی بیشتر با سایر جریانات در راستای منافع و مصالح حزبی، که علی القاعده در راستای منافع عمومی و مصالح کلی جامعه و نظام سیاسی موجود قرار دارد بپردازند، در مقابل به بخشی از اهداف خود دست می یابند (نوذری، ۱۳۸۱: ۸۸-۸۷).

بطور کلی، در جوامع بزرگ امروزی امکان دموکراسی مستقیم نیست، یعنی افراد نمی توانند روز به روز در محلی حضور به هم برسانند و بر سر موضوعات سیاسی به مباحثه و گفتگو بنشینند و سپس در مورد آنها تصمیم بگیرند. گروه های فشار نیز نمی توانند به منظور ایجاد تغییرات در قوانین مورد حمایت شان در انتخابات داوطلب گردند. پس، اگر اینگونه بود که افراد خودشان نماینده خودشان باشند و گروه های ذینفع نیز خودشان منافع شان را نمایندگی کنند، سردرگمی و بهم ریختگی بوجود می آمد. این آشفتگی هم در زمان انتخابات و هم در مجلس نمایندگی بچشم می خورد. بنابراین، هزاران فرد و هزاران گروه ذینفع برای جلب حمایت و توجه هیاهو و جنجال به راه می انداختند، و شاید خیلی از اینها موفق به جلب پشتیبانی و توجه می گردیدند. از این رو، خیلی زود این افراد و گروه های کوچک درمی یابند که بین خودشان اتحاد و توافق حاصل نمایند، بنحوی که در رسیدن به خواسته هاشان بتوانند تشریک مساعی کنند. حاصل این کار ظهور احزاب سیاسی خواهد بود. این ارزش احزاب را نشان می دهد. احزاب گروه های ذینفع مختلف و سیاستمداران فردی مختلف را که برای رسیدن به مناصب سیاسی همکاری و مشارکت می کنند به هم پیوند می دهد و در عین حال، تجمع و یک کاسه کردن منافع گروهی منجر به کاهش تضاد بین منافع می گردد و از این رو به آشتی دادن مواضع متضاد منتهی می شود.

کارکرد جذب (افراد تازه)

در فرایند نمایندگی، احزاب اولین گام هستند. احزاب قبل از آنکه رأی دهندگان شانس رأی دادن در انتخابات را داشته باشند کاندیداهایی برای انتخابات انتخاب می کنند. این به عنوان کارکرد جذب (افراد تازه) معروف است. اگر یک حزب فردی را برای شرکت در یک انتخابات برگزیند، گفته می شود حزب آن کاندیدا را تأیید کرده و بر او مهر تأیید حزب را نهاده است. بر عکس، اگر کاندیدائی دارای سوء رفتار باشد حزب حق رد نامزدی وی را در انتخابات برای خود محفوظ می دارد و در انتخابات بعدی از حمایت کردن او سر باز می زند.

کارکرد انتخاباتی

احزاب برای بدست آوردن نمایندگی نیاز دارند تا در انتخابات شرکت کنند و این شاید مفیدترین و ملموس ترین فعالیت حزبی در یک دموکراسی باشد. احزاب خود را سازمان می دهند بنحوی که در انتخابات با نهایت قدرت و شور و شوق شرکت نمایند. آنها گزاره هایی از عقاید و سیاست های مورد نظرشان را که مانیفست های آنها خوانده می شود انتشار می دهند. آنها مبارزات سیاسی شان را در رسانه ها آگهی می کنند و ایده های حریف شان را بطور جدی به نبرد می طلبند. احزاب به رأی دهندگان حق انتخاب بین دیدگاه های رقیب را در خصوص اینکه چگونه کشور باید اداره شود می دهند. ابتدا، احزاب ایدئولوژی ها یا بینش های وسیع شان در خصوص امورات چگونه باید انجام گیرند را گهی و اعلان می نمایند. این اصول و عقاید سپس پالایش می شوند و در سیاست های خاص در قالب رشته مسائل و موضوعاتی که نظام سیاسی می بایست به آنها بپردازد شکل می گیرند. رأی دهندگان می توانند بین ایدئولوژی ها و سیاست های احزاب مختلف انتخاب کنند. در یک دموکراسی، نظر اکثریت در خصوص این انتخاب غالب می شود و مسیر برای مشروعیت و حکومت طی چند سال آینده توسط آن روشن می گردد.

کارکرد مشارکت

احزاب برای انجام کارکردهای جذب، نمایندگی و انتخاباتی نیاز دارند تا مشارکت سیاسی را تشویق و ترغیب نمایند. احزاب مردم را تشویق می کنند تا به حزب شان به عنوان اعضاء بپیوندند، از حامیان پول جمع می کنند، اعضاء را وادار می سازند تا به عنوان کاندیداهای آنها در انتخابات نامزد شوند و از همه مهم تر، رأی دهندگان را تشویق می کنند تا در انتخابات شرکت و به نامزدهایشان رأی دهند.

کارکرد جمع آوری اعانه

در کشورهایی که بودجه دولتی برای احزاب سیاسی محدود است، احزاب مجبورند از عامه مردم پول جمع کنند تا بودجه و هزینه کارکردهای دموکراتیک شان را تأمین کنند. این ممکن است حتی به جر و بحث و رسوائی منجر شود ولی اینکه ببینیم احزاب سیاسی می توانند بدون بودجه کار کنند مشکل به نظر می رسد.

کارکرد ایدئولوژیکی و سیاسی

احزاب نیاز به ایدئولوژی دارند، یا حداقل بعضی مستدل بیان می دارند که آنها ایدئولوژیک هستند. گرچه به نظر می رسد که احزاب مدرن از صحبت کردن درباره ایدئولوژی ناراضی اند، ولی با این وجود، با علاقه فراوان بر ارزش ها و اصول شان که همانا معادل ایدئولوژی است، تأکید می ورزند. ایدئولوژی های احزاب سیاسی با گذشت زمان تغییر می کنند و گسترش می یابند. بنابراین، یکی از کارکردهای احزاب تکوین یا شکل دادن به ایده های سیاسی و انتقال آنها به مردم است. احزاب بر اساس تعهد و پایبندی ایدئولوژیک شان و برنامه ها و خط مشی های پیشنهادی شان که در مانیفست ها و بیانیه های آنها انتشار می یابند در انتخابات داوطلب می شوند.

کارکرد آموزشی و ارتباطاتی

احزاب، برای گسترش مشارکت و بسیج حامیان در زمان انتخابات، نیاز دارند تا جمعیت جامعه را با دیدگاه‌ها و نقطه نظرات‌شان آشنا کنند. آنها نیاز دارند این نظرات و دیدگاه‌ها را به رأی دهندگان و اعضاء‌شان منتقل نمایند. در این راه، احزاب با رسانه‌های حزبی، با تلویزیون، رادیو و روزنامه‌ها کار می‌کنند.

کارکرد اداره مجلس

اساساً، پارلمان و دیگر مجالس نمایندگی که احزاب وارد آنها می‌شوند بوسیله احزاب سیاسی اداره می‌شوند. گرچه پارلمان، مدیران و مجریان خاص خود را دارد و از یک سخنگوی بی‌طرف برخوردار است، ولی علیرغم اینها، احزاب سیاسی آنچه را که در پارلمان رخ می‌دهد کنترل می‌کنند. در پی یک انتخابات عمومی، حزب برنده حزب حاکم در پارلمان است، و این حزب اداره آن را به عهده می‌گیرد. البته، حزب حاکم تا حدی در اداره پارلمان نیاز به همکاری حزب اپوزیسیون دارد.

دموکراتیک شدن، احزاب سیاسی و حقوق شهروندی

براستی، اغلب رهبران امروزی در صدند تا اقتدارشان را از طریق این ادعا که آنها بطور دموکراتیک برگزیده شده‌اند مشروعیت ببخشند. اما، در واقع دموکراسی به چه معنی است و چه موضوعات و مسائلی را ایجاد میکند. دموکراسی به معنی حکومت کردن توسط مردم است. دموکراسی از دو کلمه یونانی باستان یعنی دموس¹ (مردم)، و کراتیا² (حکومت کردن) می‌آید. دموکراسی با آریستوکراسی (حکومت کردن توسط یک گروه نخبه‌ای که بواسطه تولد تعریف میشوند) و مونوکراسی یا مونتوآرشی (حکومت بوسیله یک فرد) مقایسه میشود (Fulcher & Scott, 2011:560).

اما مردم چگونه تعریف میشوند. در حکومت‌های به اصطلاح دموکراسی یونان باستان زنان و بردگان حقوق سیاسی نداشتند، زیرا شهروند محسوب نمیشدند. تعریف شهروند برای دموکراسی حیاتی و مهم است. صرفاً، زندگی کردن در یک کشور فرد را به یک شهروند تبدیل نمیکند، چونکه شهروندی فقط به کسانی که اعضاء کامل یا اعضاء دارای همه حقوق و وظایف یک جامعه هستند اعطاء میشود. بنابراین، ممکن است بخش بزرگی از جمعیت جامعه بدین طریق از مشارکت سیاسی مستثنی شوند.

پس سؤال این است که مردم چگونه میتوانند حکومت کنند. در اینجا بین دموکراسی مستقیم و دموکراسی نمایندگی تمایز صورت می‌گیرد. دموکراسی مستقیم یعنی اینکه شهروندان مستراً تصمیمات سیاسی را اتخاذ مینمایند. با آن که این نوع دموکراسی ممکن است در جوامع بسیار کوچک امکان پذیر باشد، ولی در جوامع یا واحدهای اجتماعی بزرگتر غیر ممکن است. البته، باید در نظر داشت که فراندوم ممکن است به همه شهروندان اجازه دهد تا در خصوص رشته محدودی از موضوعات درجائی یک انتخاب روشن و ساده وجود دارد تصمیمگیری کنند. اما، در کل، دموکراسی شکل نمایندگی پذیرفته است. در این

¹ -demos

² -cratia